

# دوازده سال در قاهره

- ۲ -

از خصایص نیل آنست که برخلاف بیشتر رودهای عالم از جنوب بشمال جریان دارد میتوان بی تکلف از دو سوی یعنی با جریان آن و بعکس جریان آن کشتی رانی نمود و هیچگاه سیل و گرداب در آن پدیدار نمیشود و همواره در وقت معین و میزان معین آبش زیاده و نقصان مینماید، بطوریکه می توان از روی ساعت و دقیقه کمی و فزونی آنرا پیش بینی نمود. هنگام بهار که آب نیل افزایش مینماید رسوبات فراوانی را از گل لای بطرفین ساحل میریزد و موجب حاصل خیزی و استعداد زمین برای کشت و زرع میگردد.

## از رود نیل چگونه استفاده میشود

اندیشه استفاده از رود نیل برای آبیاری کشت و زرع از دیر گاه و تاجائی که بقول «استاد نشأت»، «تاریخ مصر گواهی میدهد همواره نصب العین ساکنان دره نیل بوده و در عهد باستان بوسیله حوضها و استخرها و تالابهای وسیعی که اینسو و آنسوی نیل حفر میکردند کشتزارها و باغستانهای خود را آبیاری مینمودند ولی پس از آنکه دره نیل در قلمرو شاهنشاهی هخامنشی قرار گرفته به پیروی از نیات ناریوش کبیر و ابتکارات خلاقه ای که آن رهبر جهانی و آبادی دوست در احداث جدولها یعنی رودهای مصنوعی برای آبیاری داشت مقرر شد که جدولها و رودهای مصنوعی متعددی در طرفین نیل حفر نمایند و از این رهگذر کار آبیاری این سامان نسبت بگذشته آسان و به وسعت دامنه زمینهای مزروعی چندین بار افزوده شد و این روش تا حال هم در کشور مصر پیروی میشود و آبیاری نواحی دور افتاده از نیل با این ترتیب بعمل می آید. این رودهای مصنوعی را در مصر اکنون ترعه مینامند و از جنوبی ترین بخشهای آن سرزمین تا شمال آنجا را بوسیله آنها آبیاری مینمایند.

پس از استیلای فرانسویان به مصر که بسال ۱۸۰۰ میلادی بفرماندهی ناپلئون بناپارت صورت گرفت اندیشه احداث سدهای آب جزء نقشههایی که برای اصلاح شئون مختلف دره نیل پیش بینی شده بود در نظر گرفته شد. ولی در آن هنگام اقدامی در این باره بعمل نیامد. يك قرن بعد مهندس « ویلکوکس » Wilcox ( که سد فرات را نزدیک کربلا نیز ساخته) از طرحهای پیش بینی شده مهندسان فرانسوی استفاده نمود و سرزمین مصر از چندین سد بزرگ که مهم ترین آنها چنانکه پیش گذشت سد «اسوان» در جنوب و «قناطر الخیری» در نزدیکی شهر قاهره است بهره مند گردید و بالاخره سد «عالی» که مجملی در وصف آن گذشت احداث شد.



## رود نیل در نظر پیشینیان

رود نیل در نظر پیشینیان یعنی مصریان قدیم منزلتی رفیع داشته و در ردیف خدایانش می‌شمرده و منبع رزق و سرچشمهٔ برکت میدانستند همواره میکوشیدند احترام نیل را تا سرحد امکان رعایت نمایند و خویشتن را از خشم او مصون دارند. وقتی آب نیل فزونی می‌یافت جشنی برپا می‌نمودند و آنرا «وفاءالنیل» می‌نامیدند و در آن روز یکی از دوشیزگان زیبا را با جامه‌های پر بها و زینت و آرایش تمام با ساز و آواز و رقص و کرنا و دهل رو بساحل نیل می‌بردند و او را در زورقی مینشانده و بوسیلهٔ آب می‌بردند و بعمق رود می‌افکندند تا بدین واسطه رضا و خشنودی نیل حاصل شود و مردم را از برکات خود بی‌بهره نگردانند.

این سنت دیرینهٔ عجیب ظاهراً تا سال شانزدهم هجری که مصادف با فتح مصر بدست مسلمانان و فرماندهی عمرو بن عاص بوده است ادامه داشت، ولی فاتح مزبور بحکم اینکه اسلام اجازه نمی‌دهد کسی را بجهت از زندگانی محروم سازند اجازه نداد که این رسم بقرار سابق معمول باشد و چون بومیان مصری که ترک این سنت را منافی آسایش حال خود می‌شمرده اصرار ورزیدند لذا عمرو بن عاص از خلیفه عمر بن الخطاب کسب اجازه نمود و خلیفه در پاسخ او نوشت: «چون اسلام عادات گذشته دیگران را نسخ و ابطال نموده لذا از ادامهٔ این امر باید خودداری کنند و بجای آن هنگام فزونی آب نیل نامه‌ای که متضمن نام خداوند و استمداد از فیوضات رحمت او باشد در نیل بیفکنند - تا باین واسطه رحمت حق شامل حال شود و برکات نیل دوام بیابد.

ولی چون خودداری از اجرای عادت مرسوم برای مصریان آن دوران که گمان می‌کردند اگر این رسم را متروک دارند خشم نیل آنان را نابود خواهد ساخت امکان نداشت لذا مقرر داشتند بجای آن دوشیزه تمثالی از چوب درست کنند و آنرا چنان بیاریند که در دیده بینندگان بانوی زیبایی دلرانی و رعنائی جلوه کند. از آن تاریخ رسمی برقرار کردند که هر ساله مجسمهٔ زیبا از دختری با اسم «عروس النیل» بسازند و در نیل بیفکنند و این کار در روزی از ماه قبطی قدیم که برابر بانوزدهم مردادماه فارسی است انجام میشد.

ولی اینروزها این رسم نیز موقوف گردیده و تنها بجشنی بنام «وفاءالنیل» اکتفا میکنند.

## رود نیل در نظر

این طبقه از دانشمندان رود نیل را بر همه رودهای جهان برتری داده و معتقدند هیچ رودی در عالم وجود ندارد که در آن واحد منبع انواع فیوضات و برکات بوده و زیان و ضرری که سایر رودخانه‌ها گاهگاه بجان و مال مردم می‌رسانند نداشته باشد. عامه مردم معتقد بودند که

## نویسان اسلامی

این رودخانه بقدرت خداوند لایزال از بهشت سرچشمه میگیرد و با چهار رود دیگر که عبارت از سیحون و جیحون و دجله و فرات باشد پنج رود مقدس جهان را تشکیل میدهد.

یا قوت حموی که بزرگترین جهان‌نگرد و جغرافی نویسنده دنیای اسلامش باید شمرده در کتاب پر بهای معجم البلدان خود آورده است که درازای مجرای نیل در خاک مصر یکماه، و در خاک «نوبه» و «سودان» دو ماه، و در سرزمین شرک یعنی نواحی جنوب سودان تا خط استوا چهارماه می‌باشد پس روی این حساب طول مسافت مجرای نیل از سرچشمه تا مصب آن باندازهٔ هفت ماه راه خواهد بود.

یا قوت از رود نیل عجایی نقل کرده میگوید: نظم دقیق جریان و اوقات زیاده و نقصان

آن بدقت بر همه معلوم است و حتی میدانند که در چه روز و ساعتی آب نیل بالا میآید و در ظرف چه مدتی درزیادتی میماند و چه وقت رو به نقصان مینهد.

و از عجایب دیگری که از نیل مینگاردهما نا نهنگهای هولناکی است که در همه جامخصوصاً در بخش جنوبی یعنی سرزمینی که در مرز بوم سعید - بخش جنوبی مصر - جریان دارد وجود دارد. این نهنگها را تمساح مینامند که عظمت جثه و درازی طول آنها احیاناً به شانزده گز میرسد و دهانشان بقدری فراخ است که میتوانند بسآسانی حیوان بزرگ یا انسانی را ببلعند. لذا مردم آن سامان از شناوری در آب نیل بقدر امکان خودداری مینمایند. آب نیل با وجودیکه طبعاً گواراست تا تصفیه نشود نمیتوان آنرا آشامید. نویسنده گمنام کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب (۳۷۲ هجری) و همچنین حکیم ناصر حسرو علوی داستانهایی جالبی درباره رود نیل و کشور مصر نوشته اند که بهتر است خوانندگان گرمی آنها را مستقیماً مطالعه فرمایند.

### مقام نیل در نزد ایرانیان

رود نیل حیثیت خاصی در نزد ایرانیان بویژه در عهد شاهنشاهی هخامنشی داشته و در اهمیت آن همین بس است که بقول «آکتر یاس»، پزشک یونانی شهریاران ایران یکی از اختخارات خود را وجود هفت رود بزرگ در قلمرو خویش میشمردند که همواره بدانها میبایلدند و آنها را رمز قدرت و عظمت و وسعت قلمرو شاهنشاهی خود میشمردند. این هفت رود عبارت از سیحون و جیحون و دجله و فرات و نیل و دانوب و رود سند بوده است که آب آنها را در هفت ظرف بلورین سر بسته در خزاین شاهی نگاه میداشتند و سفرائی که بدر بارشان باری می یافتند از آنها دیدن میکردند. در پایان شایسته بنظم رسید که گفتگوی از نیل را باین بیت ساده که در یادداشتهای (استاد نشات) دیده ام خاتمه دهم.

می نگویم که نیل چون گنجست  
بلکه گویم که گنج بی رنجست  
مینمایند باهل مصر کسرم  
صحت و عافیت نیم و نم

### رود نیل مصریان را از باران بی نیاز مینماید

چون دامنه سخن با اینجا کشید شاید بی مورد نباشد که بقول استاد نشات گفته شود «سرزمین مصر با استفاده از طبیعت آب و هوا برکتی که از رود نیل بهره مند گردیده دور نیست یگانه اقلیمی در عالم باشد که در کشاورزی و امر زراعت خود هیچ حاجتی بیاران نداشته باشد و حتی مردم آن کمتر علاقه ای هم بر بریزش باران از خود نشان ندهند و برعکس از باران اظهار بیزاری و گاهی نفرت بنمایند». زیرا اولاً وضع ساختمان منزلها و طرز خیا بان بندیها طوری نبوده است که برای پیش گیری از جریان آبهای باران و روانه شدن سیلاب در راهها و معابر قبلاً بیش بینیهائی شده باشد لذا بر اثر باران کمی همه جا آلوده بگل ولای میگردد و عبور و مرور دشوار و ناراحت کننده میشود. از سوی دیگر وضع خاک در صحراهایی که دور از رود نیل باشد طور است که اگر مدتی طولانی هم باران بیبارد هیچ تأثیری حتی در ایجاد روئیدنها و سبزیهای طبیعی در آنها نخواهد داشت و روی این دو جهت است هیچگاه فرد مصری انتظار نزول باران را که هیچ اثر مثبتی در زندگی او تولید نمیکند و علاوه موجب زحمت او هم میگردد، ندارد، و مانند سایر کشورها که غالباً زارعین آنها منتظر نزول باران رحمت یا باصلاح معروف آسمان فکر هستند نمیباشند.